

دل آرام

(شرح مونس العشاق سهروردی)

www.ketab.ir

نگارش و شرح
دکتر بهمن صادقی مزده

ادیان و عرفان

۱۴۰۰

سرشناسه	: صادقی مزده، بهمن، ۱۳۵۸ -
عنوان و نام پدیدآور	: دل آرام (شرح مونس العشاق سهروردی) / نگارش و شرح بهمن صادق مزده.
مشخصات نشر	: تهران: ادیان و عرفان، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ۸۶ ص؛ ۲۱/۵×۱۴/۵ س.م.
شابک	: 978-622-94238-0-6
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه: ص ۸۵-۸۶.
موضوع	: سهروردی، یحیی بن جبش، ۴۹۵ - ۵۸۷ق. رساله فی حقیقه العشق - نقد و تفسیر
موضوع	: منظومه‌های عرفانی فارسی - قرن ۶
موضوع	: * Mystical verse stories, Persian -- 12h century
موضوع	: عشق (عرفان) -- متون قدیمی تا قرن ۱۴
موضوع	: * Love (Mysticism) -- Erly works to 20h century
شناسه افزوده	: سهروردی، یحیی بن جبش، ۴۹۵-۵۸۷ق. رساله فی حقیقه العشق. شرح.
رده بندی کنگره	: BBRV۴۸ :
رده بندی دیویی	: ۱۸۹/۱ :
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۶۸۹۲۸۹ :
اطلاعات رکورد کتابشناسی	: فیبا

انتشارات ادیان و عرفان
۰۹۱۲-۰۶۴۹۲۳۲

دل آرام (شرح مونس العشاق سهروردی)

نویسنده: بهمن صادقی مزده

ویراستار: بهمن صادقی مزده

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۰

چاپ و صحافی: طرح افق

شمارگان: ۳۰۰ نسخه

قیمت: ۴۵۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۴۲۳۸-۰-۶

حق چاپ و نشر برای انتشارات ادیان و عرفان محفوظ است

فهرست

۱۱.....	مقدمه
۱۷.....	مونس العشاق
۸۳.....	سخنی با عزیزان
۸۵.....	کتابنامه

www.ketab.ir

مقدمه

اساس تفکر و سلوک علمی و معرفتی شیخ اشراق چیزی نیست جز تنویر باطن و ارتباط وجودی با هریک از مراتب نور و شروق حضرت نورالانوار و این خود یکی از مهمترین مباحث عرفان عملی یعنی «عشق» را مطرح می‌کند، نگاه عاشقانه به مراتب هستی می‌تواند نوعی حرکت و سلوک باطنی را برای سالک طریق محیا کند تا بدین وسیله بتواند به حریم حرمت دوست رسیده و از غریب غربت به شرف اشراق باطن نزول اجلال نماید و این در بهترین حالت تنها بوسیله قطع طریق عاشقانه صورت خواهد گرفت و این موضوع آنقدر اهمیت دارد که خود می‌تواند بسیاری از نکات مبهم و تاریک در سیر و سلوک را روشن کرده و حتی می‌تواند جهان‌شناسی سالک را به طور چشمگیری تغییر دهد و از یک سالک و عارف خائف، یک سالک و عارف عاشق بسازد، موضوع و مباحث عشق از جهات بسیار اهمیت بسزا دارد، از یکسو حیات معنوی مردمان ایران زمین با این لطیفه الهی گره خورده و از

قدیمی ترین آراء در این زمینه می توان به سروده های زرتشت، پیامبر ایران زمین درباره «آرمیتی» اشاره کرد و از سوی دیگر با نگاه به مباحث و کارکرد خود «عشق» می توان اذعان کرد که این مسئله از جایگاه ویژه ای در عرفان اسلامی و تزکیه نفس برخوردار است و از همین رو به نوعی نمی توان بدون آن راه پر خطر سلوک را پشت سر گذاشت و درست به همین دلیل است که افراد زیادی از عرفا و حکما به توضیح و تبیین مباحث مربوط به این لطیفه نوریه پرداخته اند و شیخ شهاب الدین سهروردی معروف به شیخ اشراق نیز یکی از آنان است که البته با نگاهی خاص و کرشمه ای دلنواز و در پرده های متعدد آنرا توضیح داده است که هم از یکسو شیرینی و زیبایی آنرا دو چندان کرده و هم امری دست نیافتنی را برای مخاطب به تصویر کشیده که شاید هرگز نتواند به حقیقتش دست یابد و همیشه موضوعی باشد مبهم تا زمانی که خود آن لطیفه سر زده وارد قلب شود، به هر روی در بررسی آراء و افکار شیخ اشراق نه با یک فیلسوف مثابی صرف روبرو هستیم و نه با یک عارف عقل گریز که اصلاً به رویکرد دیگران درباره مکاشفاتش اهمیت نمی دهد بلکه در تبیین نظراتش حتی مسئله عشق، با چیزی میانه فلسفه و عرفان روبرو خواهیم بود و شاهد این مسئله را می توان در آراء خود وی بدست آورد چنانکه در مقدمه حکمة الاشراق درباره آثار خویش پیرامون حکمت مشاء می نویسد: «و من پیش از نگارش این کتاب و هم در اثنای این، یعنی در هنگامی که موانعی مرا از ادامه این کار منقطع

می کرد، کتاب هایی برای شما به روش مشائیان برنگاشتم و قواعد فلسفی آنها را در آن کتاب خلاصه کردم و از جمله آنها کتاب مختصری موسوم به التلویحات اللوحیه و العرشیه که مشتمل بر قواعد بسیاری است، در این کتاب با وجود حجم کوچکش همه قواعد فلسفه مشاء را خلاصه کرده برنگاشتم و در رتبه بعد از آن کتاب اللمحات می باشد^۱ از سوی دیگر وی در ارتباط با نوشتن آثار اشراقی خود علی الخصوص حکمة الاشراق بیان می دارد که حصول آن مطالب اولاً و بالذات از طریق فکر و استدلال و عقل نیست بلکه دریافت آنها به امری دیگر بوده، چنانکه عنوان می کند «... و پاره ایی دیگر کتابهایی است که در روزگار صباوت نگاشته ام ولیکن این کتاب را روشی دیگر بود و طریقی نزدیکتر از آن طریقت و منظم و منضبط تر بود و در مقام تحصیل کم رنج تر و حقایق و مطالب آن نخست برای من از راه فکر و اندیشه حاصل نیامده است و بلکه حصول آنها به امری دیگر بود نهایت پس دریافت آنها جویای برهان بر آنها شدم بدان سان که هرگاه مثلاً از آن براهین حاصل قطع نظر نمایم هیچ مشککی نتواند مرا در مسائل آن به شک اندازد.»^۲ به این ترتیب خواهیم فهمید که شیخ از یکسو به معقولات و از سوی دیگر به اشراقات تمایل داشته و هر دو را با هم آمیخته است و البته که اولویت با اشراق باطن است و در اهمیت این موضوع همین بس که در دسته بندی

۱. حکمة الاشراق، ص ۱۶-۱۷

۲. همان، ص ۱۷

حکما در نهایت کسی را بر می‌گزینند که متوغل در حکمت بحثی و اشراقی باشد چنانکه می‌گوید: «هرگاه اتفاق افتد که زمانی حکیمی آید که هم متوغل در تاله باشد و هم بحث، او را ریاست تامه می‌باشد و خلیفه و جانشین خداست و هرگاه چنین اتفاقی نیفتد، پس آن کس که متوغل در تاله و متوسط در بحث باشد ریاست کامله خواهد داشت (و پس از آن) ریاست تامه آن حکیمی باشد متوغل در تاله و از بحث عاری و او خلیفه باشد»^۱ اساساً تفکر شیخ چیزی نیست که در محدوده عقل باقی بماند و همه چیز را بدست او بسپارد بلکه تعالیم وی چیزی است که صافی کردن قلب از جمله اصول آن است و اصلاً نگاه وی به تعلیم به نحوی یکجانبه متوجه معلم و تدریس او نیست بلکه معتقد است متعلم نیز خود باید به جهت پاکی درون لایق دریافت باشد لحن کلام و آهنگ سخن سهروردی از رنگ و بوی دیگری برخوردار است، او از حکمتی سخن می‌گوید که خمیره ازللی بوده و فراگرفتن آن، بدون استعانت از قلم کتاب و بدون مهارت داشتن از علوم بحثی و حکمت رسمی برای کسی میسر نیست، مجموعه این مشخصات نشان دهنده حکمتی است که سهروردی آن را خط مخصوص خواننده است بررسی دیدگاههای وی اینرا نشان می‌دهد که او هم برای بحث و حکمت بحثی مقام و جایگاهی خاص قائل است و هم برای تاله و تنویر باطن و اینکه او جایگاهی بالاتر از حکمت بحثی برای اشراق باطن قائل است چنانکه خود وی به

صراحت عنوان می‌کند: «و بهترین جویندگان دانش الهی کسانی می‌باشند که هم طالب تآله و هم خواستار حکمت بحثی باشند و در درجه بعد خواستار حکمت الهی و سپس جویندگان حکمت بحثی‌اند و این کتاب ما آن کسانی است که هم خواستار حکمت ذوقی باشند و هم جویای حکمت بحثی و کسانی را که تنها جویای حکمت بحثی‌اند، نه متآله بودند و نه خواستار تآله در این کتاب سهمی نباشد.» به این ترتیب می‌بینیم که اساس تفکر و سلوک شیخ اشراق بر پایه تنویر باطن و صفای درون شکل گرفته و تعالیمش را بر آن قرار داده و از جمله مباحثی که بدان پرداخته «عشق» است که طی رساله‌ای تحت عنوان «مونس العشاق» یا «فی حقیقت العشق» آنرا تبیین نموده است و طی آن لطایفی را برای عشاق و اهل دل از ارتباط این لطیفه الهی با مراتب مختلف مادی و معنوی بازگو نموده که طی شرحی بر این رساله سعی می‌نمایم تا به گوشه‌ای از آن اشاره کنم.

بهمن صادقی مزده